

چهارده خصیصه معرف فاشیسم

ترجمه: حامد یوسفی

دکتر لارنس بریت رژیم های فاشیستی هیتلر (آلمان)، موسولینی (ایتالیا)، فرانکو (اسپانیا)، سوهارتو (اندونزی) و بسیاری رژیم های آمریکای لاتین را مورد بررسی قرار داده و در نهایت ۱۴ خصیصه ای را که معرف این نظام های حکومتی هستند به شرح زیر فهرست کرده است:

۱- ملی گرایی قدرتمند و متداوم- رژیم های فاشیستی به کرات از شعارها، نمادها، نشانه ها و آوازه های میهن پرستانه استفاده می کنند. پرچم های مختلفی را می توان در تمامی نقاط مشاهده کرد که به اهتزاز درآمده اند و حاوی پیام های ایدئولوژیک اند. نمادهای ایدئولوژیک روی لباس ها هم دیده می شوند.

۲- تحقیر حقوق بشر- دلیل این که رژیم های فاشیست حقوق بشر را تحقیر می کنند و به رسمیت شناختن آن را کسر شأن خود می دانند، ترس از دشمنان [فرضی] و نیاز به امنیت است؛ در رژیم های فاشیستی به مردم چنین القا می شود که «ضرورت» های زمانی و مکانی در شرایط خاص می تواند مجوزی باشد برای تعویق حقوق بشر. مردم نیز تمایل پیدا می کنند به شکل دیگری به قضایا نگاه کنند و حتی شکنجه، اعدام، قتل، حبس درازمدت زندانیان و... را می پذیرند.

۳- سپر بلا کردن مفهوم ساختگی دشمن. مردم تحت پوشش هیجانی شعاری که ضرورت اتحاد در برابر تهدید واقعی یا دروغی دشمن ایجاد کرده یکپارچه می شوند. این دشمن ممکن است اقلیت های نژادی، قومی یا دینی باشند یا لیبرال ها، کمونیست ها، سوسیالیست ها، تروریست ها و...

۴- غلبه نیروهای نظامی- حتی در شرایطی که کشور گرفتار مشکلات داخلی فراوان است، میزان زیادی از بودجه حکومت صرف امور نظامی می شود و برنامه های داخلی به فراموشی سپرده می شوند. سربازان و نظامیان کبکبه و دبدبه ای دارند.

۵- تبعیض جنسی فراگیر- حکومت های فاشیست میل شدیدی دارند که منحصراً مردسالار باشند. در رژیم های فاشیست نقش های جنسی سنتی استحکام بیشتری پیدا می کنند. طلاق، سقط جنین و هم جنس خواهی سرکوب می شود و دولت پاسدار حریم نهاد خانواده است.

۶- کنترل شدید رسانه های جمعی- بعضاً دولت مستقیماً رسانه ها را کنترل می کند، اما در سایر موارد نظارت غیرمستقیمی بر رسانه ها اعمال می شود که قانونی یا غیرقانونی است. سانسور، خصوصاً در شرایط جنگ، بسیار معمول است.

۷- وسواس امنیت ملی- به منظور تحریک توده ها، دولت فاشیستی آنها را از خطر تهدید امنیت ملی می ترساند.

۸- تداخل دین و دولت - در حکومت های فاشیست دولت ها از دین به عنوان ابزاری برای تنظیم و کنترل افکار عمومی استفاده می کنند. ادبیات و واژگان دینی به کرات در سخن گفتن دیده می شود؛ حتی وقتی که اصول اساسی دین در تقابل با سیاست ها و رفتارهای حکومت است.

۹- حمایت از قدرت شرکت ها- نخبگان صنعتی و تجاری کشورهای فاشیست اغلب کسانی هستند که رهبران دولتی را به قدرت رسانده اند. به این ترتیب رابطه سود دوجانبه میان بازار / حکومت برقرار می شود.

۱۰- سرکوب قدرت کارگران- با توجه به این که قدرت سازمان یافته کارگران تنها تهدید واقعی حکومت فاشیستی است، اتحادیه های کارگری یا به کلی از میان برداشته می شوند یا به شدت سرکوب می گردند.

۱۱- تحقیر روشنفکران و هنرمندان- دولت های فاشیست خصومت آشکاری با تحصیلات عالی و آکادمیک دارند. سانسور و حتی دستگیری برای اساتید و دانشگاهیان مسأله غیرعادی ای نیست.

۱۲- وسواس جرم و مجازات- در رژیم های فاشیست پلیس اغلب قدرت نامحدودی برای مراقبت از قانون دارد. مردم در بیشتر موارد شاهد سوء رفتار پلیس اند و حاضرند به خاطر میهن پرستی آزادی های مدنی را به فراموشی بسپارند. اغلب یک نیروی نظامی ملی وجود دارد که در دولت های فاشیست از قدرت بی حد و مرزی برخوردار است.

۱۳- رفیق بازی و فساد فراگیر- رژیم های فاشیست تقریباً همگی متکی به گروه های دوستی و همپالکی ای هستند که اغلب همدیگر را به مناسب مختلف منصوب می کنند و قدرت و اقتدار دولتی را برای حمایت از دوستان شان در برابر دادرسی ها مورد استفاده قرار می دهند. سرقت ذخایر و حتی گنجینه های ملی توسط رهبران حکومت در کشورهای فاشیست امری عادی تلقی می شود.

۱۴- انتخابات فرمایشی- انتخابات ها در کشورهای فاشیست بعضاً فقط مایه شرمساری است. در سایر موارد آرا به ضرر اپوزیسیون دستکاری می شود و گاهی حتی کاندیداهای اپوزیسیون به قتل می رسند. کنترل رسانه ها نیز عامل دیگری برای کنترل نتایج انتخابات است. دولت های فاشیست نظام قضایی را هم برای کنترل انتخابات مورد سوء استفاده قرار می دهند.

